

آموزه‌های راهبردی دین در سلامت انتخابات براساس آراء امام راحل و مقام معظم رهبری

سید رحمت‌الله موسوی مقدم*

چکیده

نقش آموزه‌های دینی در سلامت انتخابات، براساس آرای امام راحل و مقام معظم رهبری که شرکت در انتخابات را فریضه دانسته و مصلحت نظام و بالندگی آن را در انتخابات سالم و آزاد می‌دانند، حداقل در سه محور، بسیار برجسته و قابل رصد است که عبارتند از: اصلاح دیدگاه و نگرش‌سازی، حاکمیت اخلاق و نظام ارزشی و طراحی نظام ارتباطی کارآمد.

آموزه‌های دینی در بعد نگرش‌سازی، حضور در انتخابات را از جنس تکلیف دینی و فریضه جلوه می‌دهد نه به عنوان ابزار قدرت؛ در بعد حاکمیت اخلاق و نظام ارزشی، مقولات اعتمادسازی و اثبات قابلیت ارزشی به معنای شایستگی حرفه‌ای و صلاحیت اخلاقی را پیشنهاد می‌دهد. در بعد نظام ارتباطی کارآمد، حضور دین و آموزه‌های آن، منجر به تعامل معقول، تأثیرگذاری معنوی، مصلحت‌محوری و تعالی معنوی می‌شود که در امر انتخابات، ارکان عقلانی محسوب می‌شوند. برآیند حضور دین در ابعاد مذکور، تضمین سلامت انتخابات است.

واژگان کلیدی

انتخابات، سلامت، آموزه‌های راهبردی دین، امام راحل و مقام معظم رهبری.

مقدمه

نظر به مسئله‌محور بودن پژوهش، طرح سؤال مبنایی مقاله، امری مهم و جهت دهنده است؛ براساس ساختار قابل ارائه موضوع، مهم‌ترین سؤال این مقاله می‌تواند این باشد که استراتژی و آموزه‌های راهبردی دین برای

prof_m1344@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۰/۲۴

*. استادیار دانشگاه علوم پزشکی ایلام.

تاریخ دریافت: ۹۱/۷/۲۸

سلامت انتخابات با تکیه بر آراء امام راحل و مقام معظم رهبری کدامند؟

بر مبنای نگاه سیستمی دین در مقولات اجتماعی، طبعاً نقش آموزه‌های دینی در انتخابات، نقشی هویت‌ساز و پیش‌برنده است. کلیدی‌ترین محورهای قابل طراحی دینی در امر انتخابات، تبیین نوع نگاه به آن، حاکمیت اخلاق و نظام ارزشی حاکم و کارآمد کردن نظام ارتباطی مقوله انتخابات است. آموزه‌های دینی در این ارکان بنیادین، بسیار زیاد و قابل تأمل است؛ در این مقاله بر اساس آموزه‌ها و استنادات دینی به بررسی مختصر تأثیر راهبردهای موجود بر رفتار انتخاباتی کاندیداها، رأی دهندگان و ناظران انتخابات با تمرکز ویژه بر اخلاق و رفتار نامزدها به عنوان بازیگران اصلی صحنه می‌پردازیم.

بحث مفهومی

مهم‌ترین واژه‌هایی که به عنوان بنیادهای نظری مقاله، نیاز به تبیین مختصر و شاخص‌سازی دارند عبارتند از: دین، سلامت و انتخابات، که به در ادامه به آنها می‌پردازیم:

۱. دین: اصطلاح دین در این پژوهش، به معنای مجموعه آموزه‌هایی است که شأن پرستش دارند و از طرف خدا و به وسیله پیامبران الهی برای هدایت مردم آمده‌اند و چون از صفت خطاناپذیر برخوردار است، به معنای مطلق طاعت، جزا و پاداش نیز به کار رفته است؛ (قرشی، ۱۳۶۴: ۳۸۰) یعنی همان شریعت که واجب‌الاطاعه و صراط مستقیم است. (انعام / ۱۶۱) آنچه در این مدل هدایت مابعدالطبیعی قابل تأمل است، شان فراعقلی و ضمانت اجرایی آن، مخصوصاً در یک نظام آرمانی و برای یک فرد موحد است. دین و آموزه‌های دینی‌ای که در این مقاله مدنظر است، دین و آموزه‌های اسلامی، یعنی دین به معنای اخص آن است.

۲. سلامت: واژه سلامت، به معنای وضعیت نرمال، معقول و به دور از نقص و کاستی یک شیء است. از آن جایی که این مقوله، هویت دینی هم دارد، علامه طباطبایی آن را به معنای دور بودن از هر گونه آفات ظاهری و باطنی به کار برده است. (کرمانی و گرامی، ۱۳۶۴: ۵ / ۲۳۶) علامه در جایی دیگر آن را چنین تعریف می‌کند: «رهایی از هر گونه بدبختی و شقاوتی که کار سعادت زندگی دنیا یا آخرت را مختل می‌سازد». (همان: ۳۷۹) براین اساس، سلامت آن ویژگی فعل آدمی است که دستیابی به هدف، موفقیت و سعادت انسان را تضمین می‌کند؛ یعنی همان وضعیت نرمال، هنجار، معقول و شرع‌پسند که ناظر به صحت عمل و بهره‌مندی از آثار و نتایج فعل است.

۳. انتخابات: انتخابات، جریانی رسمی است که هر گام آن از پیش تعیین شده می‌باشد است؛ این امر برای تصمیم‌گیری مردم یا بخشی از مردم است که شخص یا اشخاصی را برای مقام، پست یا مسئولیتی و برای مدتی معلوم با ریختن رأی خود به صندوق‌های انتخاباتی برمی‌گزینند؛ هدف اصلی از انتخابات سیاسی، انتخاب نمایندگان مردم است که به آن «دموکراسی نمایندگی» می‌گویند. (<http://rahimfar.ir>)

شرکت در انتخابات آزاد و منصفانه، یکی از شیوه‌های مشارکت سیاسی است که زمینه تحقق و توسعه

مشارکت سیاسی مردم را فراهم می‌آورد و آن را تنظیم می‌کند. مؤلفه‌هایی که در تعریف انتخابات بسیار مهم جلوه می‌کنند و ارکان آن را تشکیل می‌دهند، عبارتند از: اصل آزادی، اصل قانون‌محوری و اصل آرمان‌گرایی. امام راحل با تأکید بر حق ولایت مردم بر سرنوشت خود و نیز رعایت قانون اساسی، سه اصل محوری مذکور را، اصول لاینفک و مبنایی انتخابات می‌دانند. اصل پنجاه و شش قانون اساسی جمهوری اسلامی، این مهم را چنین بیان می‌کند:

حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خدا است و هم او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خود حاکم ساخته است؛ هیچ کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد.

امام راحل در تبیین این مسئله و تشریح وضعیت شورای ملی در قیل از پیروزی انقلاب اسلامی می‌فرماید:

ما دیدیم که اسلام و کشور ایران، چه صدمات بسیار غم‌انگیزی از مجلس شورای غیر صالح و منحرف از بعد از مشروطه تا عصر رژیم جنایتکار پهلوی و از هر زمان بدتر و خطرناک‌تر در این رژیم تحمیلی فاسد (پهلوی) خورد. و چه مصیبت‌ها و خسارت‌های جان‌فرسا از این جنایتکاران بی‌ارزش و نوکرآب به کشور و ملت وارد شد؛ از بعد از مشروطه هیچ به قانون عمل نشده. (امام‌خمینی، ۱۳۷۸: ۲۱ / ۴۱۹)

براساس نظر امام راحل و نیز مقام معظم رهبری، نگاه آرمانی به انتخابات، رعایت قانون و آزادی انتخاب در تمام فرایندهای انتخابات بنا بر آموزه‌های دینی که در تمام فرازهای مقاله خواهد آمد، عوامل کلیدی سلامت انتخابات هستند.

دین، اصلاح دیدگاه و نگرش‌سازی

یکی از مهم‌ترین راهبردهای نظری دین، تبیین نوع نگاه و تفسیر موحدانه امور در راستای جهان‌بینی توحیدی است؛ در این رویکرد، امور انسانی در عرصه تکلیف‌مداری، هویت اعتقادی یافته و مسئولیت برانگیزند. در چنین فرایندی، حضور آدمی در ایفای نقش اجتماعی چه در منصب انتخاب‌کننده و چه در منصب انتخاب‌شونده، حضوری سرنوشت‌ساز و مسئولانه است؛ به‌ویژه در مقولات تعیین سرنوشت نظام اجتماعی، بسان عرصه انتخابات که عامل هویت‌بخش معنوی یا اومانستی الگوی اجتماعی است. مصادیق کاربردی این رویکرد، در این عرصه‌ها متجلی می‌گردند:

۱. ایجاد بصیرت معنوی (آگاهی دین‌محور): در تحلیل نسبت بین نظر و عمل در ساختار عمل‌گرایانه دین، اعتبار عقلی و منطقی رفتار فرد، در گرو تفکر اوست. یک نامزد انتخاباتی یا یک فرد معمولی نظام اجتماعی، فراخور تفسیری که در کاربرد منطقی فعل اجتماعی دارد، می‌تواند سیر تفکر اجتماعی را ارزشی، معنادار و معقول یا برعکس، آلوده و نابهنجار کند. قاعده دینی در خصوص چنین حضوری، اصالت «نگاه توحیدی»

است؛ یعنی باید از چنان نظام فکری‌ای برخوردار باشد که تأثیر اجتماعی آن، منجر به سازندگی، هدایت و تفاهم اجتماعی شود نه منشأ تفرقه، فردیت و منیت طبقاتی.

امام علی علیه السلام در این خصوص می‌فرماید:

من جري مع الهوي، عثر بالردي. (کمپانی، ۱۳۶۲: ۳۰۶)

هر کس همراه هوای نفس روان شود، به هلاک می‌رسد.

قرآن نیز می‌فرماید:

و تعاونوا علي البر و التقوي و لاتعاونوا علي الاثم و العدوان. (مائده / ۲)

در راه نیکی و پرهیزکاری به یکدیگر کمک کنید و در راه گناه و تعدی همکاری نکنید.

از مفاد دو عبارت قرآنی و حدیثی مذکور، به دست می‌آید که تنها اگر تفکر و دیدگاه انسان در بستر توحیدی رشد کند، می‌تواند منجر به تکامل معنوی شود؛ نقطه مقابل این تعبیر، تفسیر به رأی و مبنا قرار دادن هوای نفس و خواست فردی است که منجر به تکثر و تجمع قدرت و ثروت و نهایتاً طغیان می‌گردد. اگر برداشت افراد اعم از نامزدها، رأی دهندگان و ناظران انتخابات از مقوله انتخابات در تمام ابعاد، الهی باشد، محصول انتخاب، تحول کیفی، سعادت‌بخش و پاداش آفرین است؛ و این یعنی سلامت انتخابات که محصول بصیرت دینی است.

۲. ولایت محوری: در نگرش دینی، ولایت، آدرس خدا و راه تلاقی با حقیقت است. کسی که در مسیر ولایت یعنی «رهبری معنوی» نیست، هیچ پاداش خیری بر فعل او مترتب نیست؛ بر این اساس، منشأ سالم بودن یک انتخاب چه از طرف مردم و چه از طرف نامزدهای انتخاباتی و ناظران، محوریت کلام رهبری و رعایت استانداردهای معنوی او است.

شاهد بر این مدعا، کلام وزین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که می‌فرماید:

امتی، امتی، اذا اختلف الناس بعدي و صاروا فرقه فرقه، فاجتهدوا في طلب دين الحق، حتي

تكونوا مع اهل الحق. (بی‌نا، ۱۴۱۴: ۵۰۵)

ای امت من، هنگامی که مردم بعد از من دچار اختلاف شدند و فرقه فرقه گردیدند، در یافتن دین حق کوشش کنید تا از اهل حق باشید.

مفاد کلام پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی شاهره بودن ولایت و امر ولی است؛ انتخابات عرصه تراحم سلايق متفاوت سیاسی، فکری و فرهنگی است؛ اگر کسی «معیار» نداشته باشد، انتخاب درستی ندارد. به همین سبب است که امام راحل می‌گوید:

من احساس وظیفه می‌کنم، به ملت عرض می‌کنم و اگر ملت به این حرف گوش نکرد، من حجت دارم؛ فردا در پیشگاه خدای تعالی از من سؤال خواهد شد، من عرض می‌کنم که به ملت،

مصالح و مفاسد را گفتم. من گفتم به اینکه اگر شما مسامحه کنید، آنهایی که می‌خواهند شما را به بند بکشند. آنهایی که با اسلام مخالفند، آنهایی که با جمهوری اسلامی از اول تا حالا مخالفت کرده‌اند، آنها خواهند پیش برد. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۲ / ۱۸۲)

براساس این منشور، ولایت «شاخص» سلامت انتخابات است. هر نامزدی که عملاً با تفکرات رهبری و ولایت فقیه در تعارض یا عناد است، برای کاندیداتوری صالح نیست. اسلام، اصل ولایت‌مداری را مبنای صدق تمام ادعاهای ایمانی قرار داده است.

۳. عقلانیت در رفتار حرفه‌ای: در یک جریان سیاسی - اجتماعی عظیم مانند انتخابات، نقش اساسی در معیارشناسی مقوله سلامت، عملکرد درست نامزدهای انتخاباتی، ناظران انتخابات و نیز مردم است که اگر مبتنی بر عقلانیت و به دور از احساسات باشد، عرصه انتخاب، عرصه‌ای واقعی با نمادهای عینی برای معرفی و تبیین می‌شود. عقلانیت در این عبارت، ضامن بروز رفتارهای صحیح و ممانع از تأثیر تفکرات و تعاملات حزبی، قبیله‌ای، احساسی و تعصب‌گرایانه است. هر کدام از این موانع، فضایی کاذب و باطل حق‌نما جلوه می‌دهند که تشخیص نادرستی آن، فراتر از فهم عامه و عقل عرفی است. به همین سبب است که حضور و معرفی سالم کاندیدها، منشأ سلامت انتخابات است. امیر کلام حضرت علی علیه السلام در این خصوص می‌فرماید: «من ملک عقله کان حکیماً؛ هر کس مالک عقلش باشد، حکیم است». (کمپانی، ۱۳۶۲: ۳۷۸)

حکمت در این کلام معصومانه، همان رفتار معقول است که از شخصیتی معقول می‌تراود. در بینش اسلامی، عامل سلامت عقل، تقوی و پرهیزکاری است؛ چنانچه قرآن می‌فرماید: «و من یتق الله یکفر عنه سیئاته و یعظم له اجراً؛ هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند گناهان او را می‌بخشد و پاداش او را بزرگ می‌دارد». (طلاق / ۵)

چنانچه فضا در رقابت انتخاباتی، جهل‌آلود و احساس‌برانگیز باشد، شاخص‌ها فراموش و نمادهای کاذب، معیار قرار می‌گیرند. یک نامزد با تقوی در این عرصه، دو مسئولیت مهم دارد: ۱. حضور عاقلانه و حکیمانه در عرصه؛ ۲. ایجاد بصیرت در انتخاب‌کنندگان. این دو خصیصه که با هم «تدبیر» نامیده می‌شوند، خود از شاخص‌های سلامت فکری و فرهنگی افراد به شمار می‌روند.

۴. پذیرش مسئولیت رفتار: فعل مسئول، فعلی اختیاری و مبتنی بر حکمت است. مسئولیت، مولود نضج عقلانی و فضیلت اخلاقی است. هر کجا رفتار فرد از دایره بصیرت بیرون افتد، مسئولیت و ارزیابی معنا ندارد. لذا، برگزیدن فردی که صلاحیت حاکمیت اجتماعی ندارد، در جهان بینی اسلامی، گناهی نابخشودنی است. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این خصوص می‌فرماید:

من استعمل عاملاً من المسلمین و هو یعلم أن فیهم اولی بذلک منه و اعلم بکتاب الله و سنت نبیه، فقد خان الله و رسوله و جمیع المسلمین. (امینی، ۱۴۰۳: ۲۹۱)

کسی که مسئولیتی در جامعه مسلمانان بپذیرد در حالی که می‌داند در بین مسلمانان کسی از او اولی‌تر به امر [حکومت] وجود دارد، به خداوند و رسول و تمام مسلمانان خیانت کرده است.

براین اساس، کنش مسئول، کنشی است که در مقابل نظام عقیدتی پاسخگو باشد؛ یعنی ناشی از بصیرت دینی باشد. هر چه عرصه‌های عملکردی وسیع‌تر، نافذتر و برخوردارتر از قدرت باشند، برای حفظ سلامت، باید میزان تقید دینی و تعهد مذهبی آنها بیشتر باشد. انتخابات از همین سازوکارهای عریض و طویلی است که تنها مسئولیت معنوی می‌تواند ضامن سلامت آن باشد.

حاکمیت اخلاق و نظام ارزشی

از مصادیق حضور عینی دین و آموزه‌های وحیانی، عرصه اخلاق و نظام ارزش‌هاست. نظر به حساسیت و وسعت این عرصه در تمام مظاهر حیات آدمی، گستره آموزه‌های دینی در این عرصه هم تعجب برانگیز است؛ زیرا نظام ارزشی، ضامن اعتبار و صحت عمل فرد است؛ یعنی اخلاق به مثابه قطب‌نمایی است که هر لحظه، حضور معنوی انسان را رصد می‌کند. براساس تجارب انتخابات گذشته، قطعاً یکی از حلقه‌های مفقوده، اخلاق است. بدرفتاری‌های اخلاقی در عملکرد نامزدها و طرفداران آنها، به حدی است که وجود یک منشور اخلاق انتخاباتی در قالب «اخلاق حرفه‌ای» را ضروری می‌نماید. نقش آموزه‌های دینی در این عرصه را می‌توان حداقل در دو مولفه بنیادین ترسیم کرد که عبارتند از: ۱. اعتمادسازی. ۲. اثبات قابلیت خود (اصلاح بودن). اعتماد سازی، ناظر به فضایی همچون: گفتار صادقانه، رفتار صادقانه و هنجارگرایی است. قابلیت نیز معطوف به مقولاتی چون: انصاف اجتماعی، خودانتقادی و خدمتگزاری است. در راستای اثبات مدعای مذکور، به سخن حضرت علی علیه السلام خطاب به مالک اشتر اشاره می‌کنیم که می‌فرماید:

فول علی امورک خیرهم و اخصص رسائلک التي تدخل فیها مکائدک و اسرارک با جمعهم

بوجوه صالح الاخلاق ممن تبطره الکرامه. (نهج البلاغه: نامه ۵)

کارهای را به بهترین آنها (کارگزارانت) بسپار و نامه‌های سری، نقشه‌ها و طرح‌های مخفی خود را در اختیار کسی بگذار که دارای اساسی‌ترین اصول اخلاقی باشد؛ کسانی که موقعیت و مقام، آنها را سست و متزلزل نکند.

بر مبنای این منشور اخلاقی، عامل ضمانت سلامت امر انتخابات، اخلاق است. در ادامه مختصراً به شرح مصادیق نظام ارزشی دین‌محور در فرایند انتخابات می‌پردازیم:

۱. اعتمادسازی: در طرح اخلاقی اسلام، گفتمان اعتمادسازی، حداقل در سه عرصه متجلی و ظاهر

می‌گردد که عبارتند از:

الف) گفتار صادقانه: اولین ابزار مواجهه فرد با هم‌نوعان، نظام اجتماعی و عرصه مسئولیتی، ارتباط کلامی و

بیان است. صداقت در بیان، نشان از سلامت روان، اطمینان قلبی، اعتبار و صحت عقلی است. حضرت علی علیه السلام در این خصوص هم کلامی گهربار دارد و می‌فرماید: «من دلائل العقل، النطق بالصواب؛ یکی از نشانه‌های عقلانیت، سخن نیک است». (کمپانی، ۱۳۶۲: ۳۷۹)

قرآن نیز به عظمت صدق در ارتباطات اجتماعی، بارها اشاره کرده است:

من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليهم. (احزاب / ۲۳)

در میان مؤمنان، مردانی هستند که بر سر عهده‌ی که با خدا بستند صادقانه ایستاده‌اند.

به لحاظ تقدم گفتار در تعامل اجتماعی، صداقت اولین نماد اعتمادسازی و اعتبار انسان است. پذیرش چنین صفتی در افراد، امری فطری است؛ نامزدی که استوار در کلام نیست، اعتبار نمایندگی ندارد و فردی که صداقت ندارد، شایسته انتخاب نیست.

ب) رفتار صادقانه: در قواعد اخلاقی، گفتار و رفتار، دو روی یک سکه‌اند. انحراف در رفتار، ناشی از انحراف در اندیشه و عدم صداقت است. رفتار یک کاندیدای انتخاباتی، معیار صدق و در واقع توجیه منطقی کلام او است. از جمله مصادیق انحراف رفتاری، می‌توان به حيله، تقلب، شخصیت کاذب‌سازی، بزرگنمایی خود، گزارش غیرواقعی و فخرفروشی اشاره نمود. به عنوان نمونه به زشتی مکر و حيله در نظام ارزشی اسلام از قول حضرت علی علیه السلام اشاره می‌کنیم که می‌فرماید: «المکر سحیه اللئام؛ حيله گری خوی مردم پست است». (کمپانی، ۱۳۶۲: ۲۵۳) برای عدم صلاحیت یک نامزد انتخاباتی، همین بس که ثابت شود از راه مکر و خدعه وارد شده است. مقام معظم رهبری، در این مورد استدلال وثیقی دارند و می‌فرمایند:

در اسلام، قدرت با اخلاق پیوسته است؛ قدرت عاری از اخلاق، یک قدرت ظالمانه و غاصبانه است. و باز تأکید دارند، در اسلام، روش‌ها، خیلی مهم‌اند، روش‌ها مثل ارزش‌ها هستند (بی‌نا، ۱۳۸۲: ۲۵۳)

مصادیق صداقت رفتاری یک نامزد انتخاباتی متعهد عبارتند از: شعارهای صادقانه و قابل تحقق، عدم اسراف در تبلیغات، بزرگنمایی نکردن، پرهیز از تخریب و تحقیر رقبای، التزام به عقود اجتماعی، وابسته نبودن به منابع قدرت و ثروت، تلاش برای سلامت انتخابات و پرهیز از گفتارها و حرکات تفرقه برانگیز.

ج) هنجارگرایی: می‌توان هنجارگرایی را به وجهی معادل «تکلیف‌گرایی» لحاظ کرد. منظور از این قانون اجتماعی در عرصه انتخابات، این است که یک کاندیدای انتخاباتی با گفتارهای نامعقول، غیرواقعی و نیز رفتارهای تشنج‌آفرین، نظم و قواعد اجتماعی را به هم نزند و به میثاق‌های ملی، بومی و حتی عرفی نیز پایبند باشد. مثلاً از جمله هنجارهای مورد تأکید نظام اجتماعی و نخبگان این عرصه، قانون‌گرایی و احترام به قواعد انتخاباتی است.

مقام معظم رهبری در این خصوص می‌گوید: «شورای نگهبان، نقطه تضمین و تأمین نظام اسلامی

است». (همان: ۵۵)

چون قوانین و مقررات انتخابات با نظارت استصوابی شورای نگهبان است، تقید نامزدها به آن، نشان سلامت روش کار است که معادل تقید به ارزش‌ها است.

هنجارگرایی، باعث انس و الفت کاندیداها با مردم می‌شود و نوعی مهارت ارتباطی است که نماد عظمت روح و شخصیت فرد است. حضرت علی علیه السلام در این خصوص می‌فرماید: «الکرم حسن السجبه و اجتناب الدنیه؛ کرامت انسان در داشتن سرشت خوب و پرهیز از کارهای پست است». (کمپانی، ۱۳۶۲: ۱۱۷)

امروز هنجارشکنی، بزرگترین ترفند تئوریسین‌های جنگ نرم است که از آن به «نافرمانی مدنی» یاد می‌کنند. اگر این نافرمانی در لایه‌های بنیادین و حساس نظام مثل انتخابات باشد، منجر به فروپاشی نظام اسلامی می‌گردد. به همین سبب، رهبری معظم تأکید فراوان بر «بصیرت سیاسی» دارند. لذا بزرگترین هنجار، شرکت در انتخابات از طرف مردم و تلاش برای سلامت آن از طرف دولت و نامزدهای متعهد است. شرکت آگاهانه در انتخابات، خود یک هنجار دینی است؛ امام راحل در این خصوص می‌فرماید:

بنابراین، شرکت در انتخابات و حفظ نظام اسلامی، به اندازه نماز اهمیت دارد. چراکه تمامی اعمال و حتی روح عبادی نماز و اثرات اجتماعی آن نیز، در سایه حکومت اسلامی با قوانین اسلامی است. (رسایی، ۱۳۸۰: ۳۰)

از جمله هنجارهای قابل رعایت در فرهنگ اسلامی برای عرصه انتخابات، می‌توان به این امور اشاره نمود: رعایت عرف و حریم خصوصی دیگران، عدم ایجاد مزاحمت برای شهروندان در امر تبلیغات (رعایت قانون شهروندی)، احترام به ارزش‌ها و نمادهای اسلامی و دینی، رعایت خطوط قرمز فرهنگی و اعتقادی در تبلیغات، ساده‌زیستی، عدم تشنج در تعاملات بین‌گروهی و حزبی، شاخص‌محوری، احساس مسئولیت در مقابل خواست اجتماعی، رعایت فهم عامه در تبلیغات و احترام به انتخاب مردم.

۲. اثبات قابلیت خود (اصل اصلاح بودن): محصول التزام به نظام دینی، شایستگی و قابلیت فرد است. در واقع، رسالت دین، رساندن انسان به مقام انسانیت است. شرط اول احراز هرگونه مسئولیت در جامعه اسلامی، شایسته‌سالاری است. مهم‌ترین شاخص احراز کارگزاری در منشور مدیریت اسلامی براساس عهدنامه مالک اشتر، صالح بودن فرد است.

حضرت علی علیه السلام: خطاب به مالک اشتر در این باره چنین می‌فرماید:

ثم انظر في امور عمالك فاستعملهم اختياراً ولا تولهم محاباه و اثرة فأنهما جماع من شعب الجور و الخيانية. (نهج البلاغه: نامه ۳۵)

سپس در امور کارگزارانت دقت کن و بر مبنای ارزیابی درست، انتخاب کن نه بر اساس انگیزه‌های شخصی (و گرایش‌های جناحی) که این دو، از شاخه‌های ستم و خیانت است.

براساس این قاعده، تنها صلاحیت همه جانبه فرد است که او را از خیانت و ستم به دیگران باز می‌دارد.

در خصوص احراز قابلیت یک نماینده، مازاد بر نگرش درست و صلاحیت اخلاقی، حداقل مؤلفه‌های اثبات این مدعا از طرف نامزدها در سه مصداق مهم و کاربردی متجلی می‌شود که عبارتند از: انصاف اجتماعی، خودانتقادی و خدمتگزاری که باید توأمأً در فرد متقاضی کاندیداتوری، ناظران انتخابات و انتخاب‌کنندگان موجود باشند که به طور مختصر به آنها اشاره می‌شود.

الف) انصاف: اولین صفت کاربردی در فرایند انتخابات مخصوصاً برای یک نامزد انتخاباتی بر اساس آموزه‌های دینی، صفت عدالت و انصاف است؛ زیرا تنها با این صفت است که می‌تواند در قبال طرفداران و احاد جامعه، مسؤل و پاسخگو باشد. وقتی مردم به فردی اعتماد می‌کنند و او را حاکم بر مقدرات خویش قرار می‌دهند، در صورتی که حق مطلب را ادا نکند، در فرهنگ اسلامی ظالم است.

حضرت علی علیه السلام در این خصوص چنین می‌فرماید: «اجور الناس من ظلم من انصفه؛ ستمکارترین مردم، کسی است که درباره آنکه با او به انصاف رفتار کرده است، ظلم کند». (کمپانی، ۱۳۶۲: ۲۸۸)

از جمله مصادیق ظلم در مقام نمایندگی مردم، می‌توان به: فراموشی مردم، استبداد ذهنی، گروه‌گرایی، اولویت قدرت و ثروت بر مسئولیت، حمایت از خواص، بی‌توجهی به محرومین و سوء استفاده از مقام، اشاره نمود. کسی که چنین کند، مطابق این حدیث شریف از مولای متقیان، مورد عقاب شدید خداوند است:

بئس الزاد الى المعاد، العدوان علي العباد. (همان: ۱۰۷)

بدترین توشه برای آخرت، دشمنی بر بندگان خداوند است.

ب) خودانتقادی: در آموزه‌های اسلامی، فردی که می‌خواهد خود را در منصب حاکمیت قرار دهد و نیز افرادی که او را تعیین صلاحیت می‌کنند و مردمی که وی را برمی‌گزینند، در واقع خود را در مسند نقد اجتماعی قرار داده‌اند. اگر چنین افرادی، ارزیاب خود نباشند، دیگران به ناچار آنها را نقد خواهند کرد و عیوبشان را برملا خواهند ساخت. در تعبیر حضرت امیر علیه السلام مراقبه و محاسبه نفس، ضامن آبروی فرد است و حفظ آبرو، بالاترین مردانگی و اوج غیرت است؛ طبق این بیان:

افضل المروة، المروة الاستبقاء الرجل ماء وجهه. (همان: ۱۲۷)

برترین جوانمردی، این است که فرد آبروی خود را حفظ کند.

اصل خودانتقادی عرصه انتخابات، دو سویه دارد؛ سویه نامزد انتخاباتی و سویه انتخاب‌کنندگان؛ یعنی هم فرد متقاضی کاندیداتوری باید نقاد داشتنی‌های خود باشد و هم مردم باید مراقب انتخاب خود باشند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

فبشر عباد الذين يستمعون القول فيتبعون احسنه. (زمر / ۱۸)

پس بندگان مرا بشارت ده؛ همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند.

این قاعده، بزرگترین نماد و عامل سلامت انتخابات است. هر چه معیارها برای فرد و جامعه، دقیق‌تر، ظریف‌تر، منطقی و معقول‌تر باشند، فیلتر عبور برای رقابت، تنگ‌تر و برونرفت آن، کم‌آلایش‌تر است.

ج) خدمتگزاری: در دولت اسلامی، حاکم، خادم مردم است. به عبارتی مفهوم قدرت، تبدیل به مسئولیت و خدمتگزاری می‌شود. یعنی مسئولیت، امانت است نه طعمه. حضرت علی علیه السلام در نامه‌ای به اشعث ابن قیس والی آذربایجان چنین می‌فرماید: «ان عملک لیس لک بطعمه ولكن فی عنقک امانه؛ مسئولیت تو طعمه‌ای در دست تو نیست، بلکه امانتی در گردن توست». (نهج‌البلاغه: نامه ۵) بر این اساس است که امام راحل، می‌فرماید:

اگر به من خدمتگزار بگویند، بهتر از این است که رهبر بگویند. رهبری مطرح نیست، خدمتگزاری مطرح است. اسلام ما را موظف کرده است که خدمت بکنیم. (بی‌نا، ۱۳۷۸: ۲۲۷)

یک نماینده صالح، باید درآشنای مردم، برای مردم و حافظ مردم باشد. در منش اجتماعی و تعاملات رفتاری، باید مرز و فاصله‌ای بین مردم و نمایندگان آنها نباشد؛ یعنی نمایندگان مجلس که خادمان مردمند، باید از چنان منشی برخوردار باشند که مردم به راحتی بتوانند آنها را مورد مؤاخذه قرار دهند.

امیر کلام در این خصوص می‌فرماید: «لن تقدس امه لایوخذه للضعیف فیها حقه من القوی غیر متمتع؛ هیچ امتی، منزلت و رشد پیدا نمی‌کند، مگر اینکه در آن، ضعیف حق خود را بدون لکنت زبان از قوی بستاند». (نهج‌البلاغه: نامه ۵)

مقام معظم رهبری هم تأکید دارند که:

در منطق اسلامی، قدرت، عزت، آبرو، خوشنامی و امکانات، فقط و فقط برای خدمت به مردم و حرکت دادن خود، جامعه و کشور در راه نظام مقدس اسلامی و رسیدن به آرمان‌های بلندی است که انسان‌ها، نیازمند آنند. (بی‌نا، ۱۳۸۲: ۵۱)

بنا به این همه گفتار وثیق و ماندگار دینی، نماینده‌ای که عزم خدمتگزاری ندارد، غاصب این مسند و مطرود جامعه دینی است؛ نگاه خدمتگزارانه، صرفاً معطوف به نامزدان انتخاباتی نیست، بلکه رأی‌دهندگان و ناظران انتخابات هم باید آن را تکلیف دینی به حساب آورند؛ زیرا عدم احساس مسئولیت دینی آنها هم به شدت سلامت انتخابات را خدشه‌دار می‌کند.

نظام ارتباطی کارآمد

بحث کیفیت، تأثیرگذاری و جهت‌دار بودن نظام ارتباطی، در متن و صدر آموزه‌های دینی قرار دارد؛ زیرا، تمام هویت انسان و بعد اجتماعی و کاربردی او، فقط در ارتباط هویدا می‌گردد؛ چه ارتباط با خود، چه با خدا و چه با مردم که بند اخیر در فرهنگ اسلامی، وزین‌تر و برجسته‌تر است. نظام ارتباطی در عرصه انتخابات، در این مصادیق ظاهر می‌شود: تعامل معقول، تأثیر معنوی، مصلحت‌محوری و تعالی معنوی که مختصراً به شرح آنها می‌پردازیم.

۱. **تعامل معقول:** معقولیت تعامل، فرد را واقع‌بین، مسئول و ارزشی بار می‌آورد. چون عقل، امری واقعی^۱ است و از متوسل شدن به احساس، شایعه، دروغ و امور غیرواقع، ابا دارد. اگر نامزدهای محترم انتخابات در ارتباطاتشان با مردم و نیز مردم با آنها و همچنین دستگاه نظارت با هر دوی آنها، معقول و منطقی رفتار نمایند، سلامت انتخابات تضمین می‌شود. یعنی تعامل منطقی، ضامن سلامت انتخابات و عامل بقای آن است. در منش دینی، نوع ارتباط با مردم، بسیار با اهمیت است؛ به حدی که تمام پیامبران و معصومین به آن توجه خاص داشته‌اند. از جمله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «انا معاشر الانبیاء نكلم الناس علي قدر عقولهم؛ ما پیامبران با مردم به اندازه درکشان صحبت می‌کنیم». (کلینی، ۱۴۰۱: ۱ / ۱۳۴) اساس در تعامل معقول، درک سطح فهم و شعور سیاسی مردم است. در مسئله انتخابات، هرگونه سوء استفاده از احساسات پاک مردم و اغوای آنها در راستای تقویت خود، خیانت محسوب می‌شود و مستوجب عقاب است. حضرت علی علیه السلام در خصوص جایگاه عقل در ارتباطات اجتماعی چنین می‌فرماید: «من دلائل العقل، النطق بالصواب؛ سخن درست گفتن، یکی از نشانه‌های عقل است». (کمپانی، ۱۳۶۲: ۳۷۹) قرآن کریم نیز رویکردهای متنوعی در خصوص اهمیت تعامل اجتماعی و تأثیر آن در تکامل معنوی دارد. از جمله درباره حضرت اسماعیل می‌فرماید:

واذکر فی الكتاب اسماعیل، انه کان صادق الوعد و کان رسولا نبیاً. (مریم / ۵۴)

و در این کتاب از اسماعیل یاد کن که او در وعده‌اش صادق و رسول و پیامبری بزرگ بود.

در فرازی دیگر در مورد وفای به عهد چنین می‌فرماید:

... اوفوا بالعهد، ان العهد کان مسئولاً (اسرا / ۳۴)

به عهد وفا کنید که از عهد سؤال می‌شود.

وقتی انسان به زیور عقل و منطق آراسته شد، انحراف فکری، اخلاقی، سیاسی و عملکردی او به شدت کاهش می‌یابد. از آنجایی که نمایندگان مجلس و ریاست جمهوری در عرصه انتخابات سوار بر موج تبلیغات و رسانه‌ها هستند و امکان عدول از دایره عقل برای آنها نیز بالاست، توجه به میزان تعامل معقول در متن تبلیغات، نشان سلامت فرد نامزد است.

۲. **تأثیرگذاری معنوی:** نظر به جایگاه حقوقی و سیاسی رفیع مجلس و نقش آن در ایجاد بصیرت دینی و معنوی، خود عرصه انتخابات هم، باید بصیرت‌افزا و معنویت‌بخش باشد. رأی افراد، در واقع تجلی میزان عقلانیت و درایت آنان است، همان طور که حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «قیمة كل امرء عقله؛ ارزش هر کسی به قدر عقل اوست». (کمپانی، ۱۳۶۲: ۳۷۷)

1. Realistic.

زمانی فرایند انتخابات منجر به اثرگذاری معنوی می‌شود که افراد، آن را امری اعتقادی بدانند نه سیاسی صرف. نامزدها هم باید به این مقوله توجه جدی داشته باشند که با اعتقادات مردم بازی نکنند. به همین دلیل شرکت در انتخابات، یک تکلیف است و انجام درست تکلیف، کسب معنویت و پاداش الهی است.

۳. **مصلحت‌محوری:** شاخص در امر انتخابات، حفظ نظام و حکومت اسلامی است. مصلحت اجازه نمی‌دهد که هر کس با هر عقیده، مرام، ارزش، سبک زندگی، امکانات مادی و مد تبلیغاتی خود وارد عرصه شود؛ بلکه باید برای حفظ نظام، ماهیت انقلاب و ارزش‌های دینی، اصول بنیادین و ارکان فرهنگ اسلامی در تمام فرایند انتخابات حفظ شود که این خود عین سلامت و در مسیر بودن است. در نگرش اسلامی، انسان بدون مدد از دین و روایان آن، نمی‌تواند مصلحت را بشناسد؛ قرآن در این خصوص چنین می‌فرماید:

واطيعوا الله و رسوله و لاتتازعوا فتنفسلوا و تذهب ریحکم و اصبروا، ان الله مع الصابرين. (انفال / ۴۶)
و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با یکدیگر نزاع نکنید که سست می‌شوید و قدرت شما از میان می‌رود؛ و صبر و استقامت کنید که خداوند با صابران است.

به صراحت از این آیه به دست می‌آید که اولین شاخص رعایت مصلحت در امور اجتماعی، ولایت‌محوری است. علت شاخص بودن مقوله ولایت و شأن رهبری آن، این است که تلبس معنوی به رداء ولایت، ضامن مصونیت اخلاقی، اعتقادی، فردی، سیاسی و اجتماعی است. زیرا رابطه مردم با ولی، رابطه مرید و مراد است. از طرفی، ولی فقیه نماد نظام و حکومت اسلامی است.

۴. **تعالی معنوی:** سه مولفه قبلی این محور، یعنی تعامل معقول، تأثیرگذاری معنوی و مصلحت‌محوری، به وجهی حداقل‌های مورد انتظار آموزه‌های دینی در هر امر اجتماعی و انتخابات است؛ یعنی اگر عرصه انتخابات، فاقد این صفات باشد، خود جریانی انحرافی و مخل نظام ارزشی است. صفت چهارم، یعنی تعالی معنوی، شأن واقعی فرایند انتخابات را بالا می‌برد و عملاً نشان می‌دهد که عرصه آن، عرصه‌ای پاک، سالم و بالنده است؛ یعنی انتظار دین، حاکم دینی و ولی فقیه از مردم و مسئولان، این است که انتخابات از چنان سطحی از عقلانیت برخوردار باشد که فرایند آن منجر به بصیرت معنوی، ارتقای شعور سیاسی مردم، اقتدار ملی و جهانی نظام، یأس دشمنان و استقلال ملی گردد؛ یعنی تبدیل به دانشگاهی شود که منجر به تولید علم و بالندگی اجتماعی گردد.

نقش تعالی معنوی انتخابات، به عنوان بالاترین محصول آن، در واقع در گرو رعایت تمام محورها و مؤلفه‌های قبلی است؛ یعنی اگر فرایند مذکور در مقاله، طی نشود، نه تنها نظام انتخاباتی منجر به تعالی معنوی نمی‌شود، بلکه خود، مظهر فتنه و انحراف می‌گردد.

در تأیید مدعای مذکور، پیامبر اکرم چنین می‌فرماید: «من آثر علی اخیه بامر، یعلم ان الرشد فی غیره فقد خانه؛ هر کس برادر خود را به امری برانگیزد، درحالی که بداند رشد و هدایت در غیر اوست (دیگری) به او خیانت کرده است». (سجستانی، ۱۳۸۷: ۳ / ۳۲۱)

براین اساس، حضور در انتخابات باید چنان معقول، صادقانه، دلسوزانه و رشد برانگیز باشد که خود، راه هدایت و تابلوی راهنمای مردم باشد. چنان‌که غیر از این باشد، مصداق صریح این بیان پیامبر و مستوجب عقاب الهی است که:

من غش المسلمین فی مشورۃ فقد برئت منه. (شیخ صدوق، ۱۳۸۹: ۶۶/۲)

هر کس که در مشاوره دادن به مسلمانان، دغلبازی کند من از او برائت می‌جویم.

در این برهه که اسلام و انقلاب اسلامی، مورد هجوم همه جانبه دشمنان قرار گرفته و اصل نظام و شاخص‌های راهبردی آن یعنی ولایت فقیه، مردم سالاری دینی و حکومت اسلامی، در معرض بدترین تحلیل‌های انحرافی قرار گرفته‌اند، تنها با داشتن انتخابات و نمایندگانی سالم و صالح است که می‌توان به آینده امیدوار بود. بنا به تعبیر رهبر معظم انقلاب، انتخابات باید خون تازه‌ای در رگ نظام بجوشاند و آن را پویاتر، گویاتر، مقتدرتر و سربلندتر نماید. و همه اینها یعنی تعالی معنوی.

نتیجه

براساس ساختار پژوهش، یافته‌ها و تحلیل مطالب، در نسبت بین سلامت انتخابات و عمل به آموزه‌های دینی و معیار قرار دادن دیدگاه‌های امام راحل و مقام معظم رهبری به عنوان معماران انقلاب و شاخص سلامت نظام، به دست می‌آید که: مقوله سلامت، در هر کجا به کار رود، مقوله‌ای معنوی و متافیزیکی است؛ یعنی منشأ دینی و وحیانی دارد. براین اساس، تأمین آن جز در سایه رهنمودهای دینی، تعامل منطقی عقل و دین با حاکمیت دینی و مبنا قرار دادن نظر و دیدگاه رهبران دینی به عنوان شاخص و معیار، امکان‌پذیر نیست. این مقوله (سلامت)، هر چه در گستره بالاتری لحاظ شود، تأمین پشتوانه دینی آن، ناگزیرتر و پر رنگ‌تر است. نظر به ماهیت دینی، اجتماعی و سیاسی انتخابات و عجز بودن آن با مقوله قدرت، ثروت، سرنوشت ملی، هدایت و سعادت جامعه، تزریق راهبردهای دینی در پیکر آن از آغاز تا پایان امری ضروری، منطقی و لاینفک است؛ بدون استمداد از مقولات و آموزه‌های دینی، نه مصالح اجتماعی، نه شاخص‌ها، نه ارزش‌ها، نه اصلح‌ها، و نه آینده مطلوب، قابل شناسایی، رصد، آسیب‌شناسی و نگهداری نیستند. تعیین این مؤلفه‌ها، فقط و فقط شأن دین و منویات دینی است.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. امام خمینی، سیدروح الله، ۱۳۷۸، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

۶۰ □ فصلنامه علمی - پژوهشی انقلاب اسلامی، س ۱۰، بهار ۹۲، ش ۳۲

۴. امینی، عبدالحسین، ۱۴۰۳ق، *الغدیر*، ج ۸، بیروت، دار الکتب العربی.
۵. بی‌نا، ۱۳۷۸، *کلمات قصار امام خمینی*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، چ اول.
۶. بی‌نا، ۱۳۸۲، *دفتر جریان شناسی تاریخ معاصر، معیارهای یک انتخاب از دیدگاه مقام معظم رهبری*، تهران، الهادی، چ اول.
۷. بی‌نا، ۱۴۱۴ق، *جامع الاخبار للشعیری (جامع الصغیر)*، بیروت، دار الفکر.
۸. حجتی کرمانی، محمدجواد و محمدعلی گرامی، ۱۳۶۴، *المیزان*، ج ۵، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
۹. رسائی، حمید، ۱۳۸۰، *انتخابات و دانشگاهیان از دیدگاه امام خمینی علیه السلام*، قم، دفتر نشر معارف، چ دوم.
۱۰. سجستانی، سلیمان بن اشعث، ۱۳۸۷، *سنن ابی داود*، ج ۳، قم، مؤسسه فرهنگی تبیان.
۱۱. شیخ صدوق، ۱۳۸۹، *عیون اخبار الرضاء*، ج ۲، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چ پنجم.
۱۲. قرشی، سیدعلی ابر، ۱۳۶۴، *قاموس قرآن*، ج ۱، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چ چهارم.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۱، *اصول الکافی*، ج ۸، قم، دار الصعب و دائر التعارف.
۱۴. کمپانی، فضل الله، ۱۳۶۲، *منتخب العرر*، تهران، مفید، چ اول.

15. www.rahimfar.ir/p/317.

16. www.ghahanentekhab.blogfa.com